■ سال بیست و هفتم ■ شماره ۷۶۳۵ ■ دوشنبه ■ ۳ خرداد ۱۴۰۰

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی/ چاپخانه همشهری
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۰۱ | اذان مغرب ۲۰/۳۰ | نیمه شب شرعی ۰۰/۱۰ | اذان صبح فردا ۴/۱۱ | طلوع آفتاب فردا ۵/۵۳

سخن روز

امام سجاد(ع):
بهترین گشاینده کارها، راستی و بهترین پایان برنده آن، وفاداری است.
بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۶۱

هومان حسن‌پور: از آسیب ناشرنماها به نشر غافل نشویم

طومار اعتراضی ۷۰۰ کتابفروش و ناشر فعال درباره تخفیف‌های غیرقانونی کتاب به معاونت فرهنگی وزیر ارشاد ارسال شده است تا در مرکز فناوری اطلاعات و رسانه‌های دیجیتال راهکاری برای برخورد با این موضوع اندیشیده شود. در حوزه دیجیتال و فضای مجازی یکسری از پلتفرم‌ها به ارائه تخفیف‌های غیرمتعارف اقدام کرده‌اند که شرایط کار را برای همکاران ما در بخش‌های مختلف سخت و طاقت‌فرسا کرده است. با شورای عالی فضای مجازی نیز در این زمینه مکاتبه کرده‌ایم و از آنها خواسته‌ایم پلتفرم‌های فروش کتاب ملزم به تبعیت از اتحادیه ناشران و کتابفروشان شوند. برخی از سایت‌ها زمینه فروش کتاب‌های قاچاق و آثار کتابسازی شده را فراهم کرده‌اند، باید زمینه‌ای فراهم شود که افراد سودجویی که از این وضعیت سوء استفاده می‌کنند، کنار بروند و ناشران و کتابفروشان واقعی فعالیت کنند؛ نه اینکه یک سری ناشر بی‌نام و نشان به عرصه کتاب مشغول باشند.

بخشی از گفته‌های رئیس اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران در ایبنا

آیا مطمئنی که این نمایش اولین بار است که روی صحنه می‌آید؟ آیا ما زنده‌ایم یا ما را بازسازی کرده‌اند؟

گوشه‌نشینان آلتونا
ژان پل سارتر
ابوالحسن نجفی
نیلوفر

نـــگاره
ایمان نوری نجفی

سینمای کرونازده

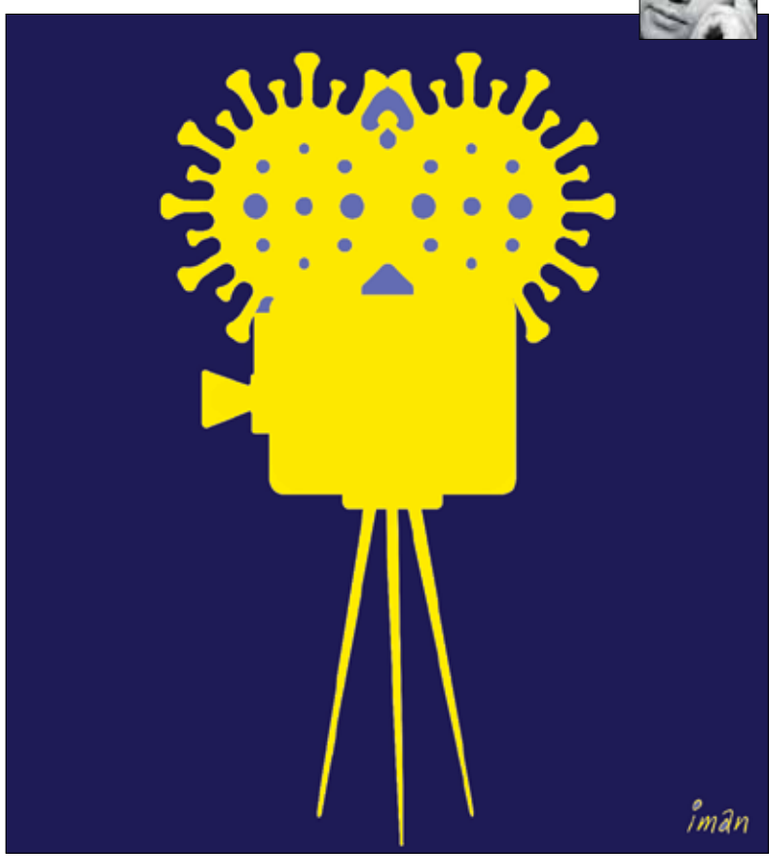

یادداشت

حسن هدایت
تهیه کننده، کارگردان و فیلمنامه‌نویس

جولان تهیه کنندگان غیرحرفه‌ای روی آنتن سیما

مدتی است که بعضی سریال‌ها از صداوسیما پخش می‌شود اما بعد از چند قسمت به‌دلیل اعتراض مخاطبان پخش آن ادامه پیدا نمی‌کند و در این بین هزینه و سرمایه هنگفتی هدر می‌رود و همچنین اثرات بدی بر جامعه و ذهن مخاطب می‌گذارد. سؤالی که در این بین ذهن مخاطب را به خود مشغول می‌کند این است که آیا محبوبیت تهیه کننده یا کارگردان صرفاً می‌تواند گزینه مناسبی برای ساخت سریال‌سازی باشد؟ و نهادهای مرتبط و تلویزیون چقدر نظارت دارند تا هزینه ساخت سریال‌سازی اینگونه هدر نرود؟

برخلاف آنچه در تلویزیون‌های همه جای دنیا رایج است، در تلویزیون ایران چه خصوصی و چه دولتی سیستم بسیار متفاوتی داریم. که بسیار عجیب است. مسأله اول این است که در تمام دنیا جایی که برنامه‌سازی انبوه دارد، آن کسی که در سریال‌سازی حرف اول را می‌زند و مورد اعتماد است، فقط تهیه کننده است. آن هم تهیه کننده‌ای که نه بر اساس روابط بلکه بر اساس توانایی و ضوابط کفایت خود را نشان داده است. این تهیه کننده است که در مورد قصه‌ها، بازیگران و کارگردان نظر می‌دهد و مسئولیت پای اوست. تلویزیون برخلاف سینما گیشه ندارد. در نتیجه آن چیزی که مهم است اینکه بتوان سریالی را که ضرورت ساخت آن احساس می‌شود بدرستی و سالم تحویل داد. مشکل اصلی اینجاست که متأسفانه در کشور ما از ۱۵ سال پیش تاکنون یک انحراف فرهنگی در سریال‌ها و برنامه سازی‌ها رخ داده است و آن این است که فکر می‌کنند اگر بازیگری که شهرت دارد تهیه کننده کار شود، کفایت می‌کند. و در نتیجه پول بسیار هنگفتی این بازیگرهای اغلب بی‌استعداد می‌گیرند و کارهای سطحی و انبوه‌سازی غلط انجام می‌شود.

وقتی تهیه کننده حرفه‌ای نداریم یا اگرهم باشد بسیار اندک است، طبیعی است که نظم اجرایی کار به‌هم می‌ریزد. سازمان صداوسیما در همه قسمت‌ها شوراهای عریض و طویلی دارد که متأسفانه فقط زمانبر و گاه گذاری سلیقه‌های شخصی اعمال می‌شود در حالی که وظیفه شورا ممیزی است نه اینکه کیفیت کار را بررسی کند. کیفیت، به عهده تهیه کننده است و باید آن را تضمین کند. در دنیا بابت این کار از او ضمانت محکمی می‌گیرند تا کار را درست تحویل دهد. اما در ایران چه کار خوب ساخته شود و چه بد فرقی نمی‌کند. هم پول و هم کار مجدد هم می‌دهند. در صورتیکه در هر جای دنیا کار ضعیف باشد تهیه کننده بایکوت می‌شود و به او دیگر کار نمی‌دهند. برای همین کار باید حرفه‌ای باشد و تهیه کنندگان سعی می‌کنند حتی الامکان کاری استاندارد و حتی بالای استاندارد تحویل دهند. از طرفی نکته مهمتر این است که تلویزیون ارزیابی‌هایی از سلیقه و آگاهی‌های مردم باید داشته باشد. و دائم در حال نظرسنجی است. البته آنگونه که ادعا می‌شود. اما جای تعجب است که این نظرسنجی‌ها چرا نشان نمی‌دهد که نقاط حساس مردم کجاست؟ ما آزمون و خطاهای بسیار کردیم و می‌دانیم نقاط ممیزی و حساسی که ممکن است مردم به آن واکنش نشان دهند، چیست. وقتی به آن توجه نمی‌شود، یعنی آن مرکز آمار و سنجش‌ها یا درست عمل نمی‌کند یا اصلاً وجود ندارد حتی یک فرد عادی هم که در جامعه زندگی می‌کند خیلی راحت نقاط حساسیت برانگیز را تشخیص می‌دهد و اگرهم دست روی آنها می‌گذارد به نحوی است که اعتراض مردم در پی آن نباشد.

چه کسی باید جوابگوی پول‌هایی باشد که صرف اینگونه کارها شده؟ گاهی فیلمنامه‌ای را به تهیه کننده می‌دهند ولی او فیلمنامه دیگری تحویل

می‌دهد. یا کار ضعیف تحویل می‌دهند که باید آنها را به پای میز محاکمه کشید که معمولاً این کار را نمی‌کنند. برای همین اغلب تهیه کنندگان ناتوان که بر اساس روابط کار می‌گیرند، فراوانند. حتی تهیه‌کنندگانی بسیار جوان و بی‌تجربه پروژه سنگین گرفته‌اند. چرا فکر می‌کنند که کار فیلمسازی بی‌ارزش و ساده است؟ اتفاقاً از سخت‌ترین کارهای دنیاست. برای یک مسابقه ورزشی اینهمه تحقیق می‌کنند و توانایی افراد را می‌سنجند. اما برای یک کار فرهنگی که میلیون‌ها نفر می‌خواهند تماشا کنند خیلی ساده با آن برخورد می‌شود. سیاستگذاران رسانه‌های نمایشی باید نقطه ضعف را بدانند و باید به جای اینکه ملاکشان محبوبیت یک هنرمند یا ملاک شخصی باشد، باید نظر کارشناسی در چارچوب اساسنامه تلویزیون بدهد.

یادداشت

نگین ضیایی
کارگردان تئاتر

اعتمادسازی شرط لازم برای رونق دوباره تئاتر

همواره در کشور ما و البته شاید در بسیاری از نقاط دیگر دنیا موضوع مخاطب تئاتر، چالشی است ازلی و ابدی. فارغ از بحث راجع به‌زیرساخت‌های دولتی و سیستمی در این زمینه، همانند خود صحنه تئاتر، در آن سوی مخاطب تئاتر، هنرمند و خالق اثر که مجموعه کارگردان و گروه اجرایی است، قرار می‌گیرد. آنچه مشخص است تئاتر هیچگاه در سطح کلان جامعه در سبد کالای خانوار ایرانی قرار ندارد. اگر دو مؤلفه سرگرمی و آگاهی بخشی را مؤلفه‌های اصلی جذب مخاطب به‌شمار بیاوریم باید بررسی شود که تولید کنندگان آثار در چه سطحی به این دو مؤلفه توجه می‌کنند. در کنار اینها بالابردن سطح سلیقه مخاطب در زیبایی‌شناسی و انتخاب فرم و محتوا نیز در این زمینه حائز اهمیت است. در شرایط کرونا و تأثیر آن بر مخاطب و تولید تئاتر بحث بسیار است.

با تمرکز روی مخاطبان تئاتر اینگونه به‌نظر می‌آید که مخاطبان به دو دسته تقسیم می‌شوند: مخاطبانی که قبل از کرونا نیز تئاتر را دنبال می‌کردند و دسته دیگر کسانی که مخاطبان جدی تئاتر نیستند. مخاطبان بالفعل و دور افتاده از سالن‌های تئاتر بواسطه کرونا را باید با اطلاع‌رسانی از رعایت حداکثری پروتکل‌ها در سالن‌ها از طریق رسانه‌های جمعی پر قدرت و پر نفوذ مطلع ساخت. مسائلی مانند ضدعفونی سالن‌ها، فروش نصف ظرفیتی، فروش منحصراً اینترنتی بلیت، تهویه فعال سالن‌ها و... که سالن‌های تئاتر در این روزها رعایت می‌کنند.

با حمایت نهادهای ذی‌ربط و انتقال این اطلاعات به مخاطبان، بخشی از فاصله به وجود آمده بین مخاطبان و سالن‌های تئاتر پر می‌شود. از طرف دیگر تولیدکنندگان تئاتر هستند که به نظر می‌رسد باید اتفاقاً بیش از هر زمان دیگری در تولید آثار قدرتمند و دغدغه‌مند، پویا عمل کنند تا بتوان این ارتباط را در لایه اول بازتعریف یا بازسازی کرد. نوبت به دسته دوم مخاطبان می‌رسد که مخاطبان بالقوه تئاتر به حساب می‌آیند و اتصالشان به تئاتر پیچیده‌تر است.

فعالان حوزه تئاتر هرچند سخت باید در این دوران، اتفاقاً پویاتر از پیش با تبدیل تهدیدها یا کمبودها، نیاز این دسته از مخاطبان بالقوه را چه در سطح سرگرمی و چه در سطح آگاهی‌بخشی، شناسایی کنند و فرصت‌ها و امکان‌های جدیدی به‌وجود آورند. چرا که امید بخشی، نه در سطح کلام و ابتر، بلکه در لایه‌های معنادار و مؤثر از شالوده‌های تئاتر به شمار می‌آید. اینکه تئاتر این روزها بتواند فاصله خود را با توده جامعه کم و کمتر کند و این احساس و اطمینان را در مخاطب خود تولید کند که هم در سطح رعایت پروتکل‌ها و هم در سطح معناسازی و بیان نقدها و نیازها در صف اول ایستاده و این فاصله از قبل وجود داشته را به حداقل برساند.

تجربه نشان داده است که به وجود آمدن زیر ساخت‌های حمایتی و دولتی در جامعه ما پشت حرکت‌های توده اجتماع رخ می‌دهد. پس شاید با این روند بشود به نهادهای دولتی و سیستمی نیز مسیر درست را نمایان ساخت.

پیشنهاد

حسین جمالی
کارگردان

همراه با پرواز سی‌مرغ عطار

در دوران کرونا یا بهتر است بگوییم عصر کرونا سراغ کتاب‌های جدید نرفتم و فکر کردم مداقه در کتاب‌های قدیمی و یا به قولی کلاسیک گره بیشتری از کارم باز می‌کند. با خود فکر کردم مطالعه و رجوع مجدد به این کتاب‌ها می‌تواند کمک بیشتری به انسان امروزی از جمله خود من کند در شناخت بهتر و درک درستی از جهان. یکی از این کتاب‌ها «منطق‌الطیر» عطار بود و وقتی دوباره آن را خواندم کلی چیزهای عجیب و غریب دستگیرم شد. کرونا زندگی ما را به سمتی برد که انگار هرچه هیجان وجود داشته تقریباً همگی از متن زندگی رخت بربسته و حالا با خواندن منطق‌الطیر متوجه شدم که این کتاب به ما راه‌کارهایی برای برون رفت از این وضعیت ارائه می‌دهد و می‌شود گفت که در وجود ما به‌صورت تک‌تک شخصیت این پرنده‌ها نهادینه شده است و به‌همین دلیل مطالعه این کتاب بی‌نظیر است و شروع کردم درباره کتاب هم تحقیق کردم. برایم خیلی عجیب و شگفت‌انگیز است که عطار هم در مقدمه همین کتاب می‌گوید که اگر افسرده یا ناخوش‌احوال هستی وقتی این کتاب را بخوانی با حال خوب از آن بیرون می‌آیی و این نکته و این درک عطار نسبت به آن چه نوشته و نقل کرده هم جای تأمل بسیار دارد. به هر صورت، آثار ادبیات کلاسیک ما، منشأ و سرچشمه‌های بسیار عظیم و پرباری هستند که هر بار مراجعه به آنها و دقت و مطالعه‌شان می‌تواند دری بزرگ به روی بشر باز کند و همین است که نام آنها را چنین جاودانه کرده است.

یادداشت

زندگی واقعی امروز در دنیای مجازی است

شهرام اقبال‌زاده
نویسنده و مترجم

صحبت درباره کرونا حرف تازه‌ای نیست، بیش از یک سالی می‌شود که بر زندگی‌مان سایه افکنده و بخش عمده‌ای از دغدغه‌های‌مان را به خود اختصاص داده است. از همین‌رو نمی‌توان گفت که بحث درباره‌اش کافی است!

متأسفانه مشکلاتی که کرونا سبب شده چیزی نیست که به‌راحتی تمام شود. نه فقط ما، بلکه کل جهان همچنان درگیر آن هستیم. با این حال اگر قرار به صحبت از اثرات آن بر عرصه ادبیات باشد معتقدم در دراز مدت قادر است به نقطه عطفی برای آن تبدیل شود چرا که ادبیات روایت دغدغه‌های انسانی، تنش‌ها و کشمکش‌های اوست. هرچند که باید قدری صبر کنیم تا دوره شیوع آن تمام شده و از سویی بررسی شود که چه اثراتی بر زندگی مردم داشته است و خواهد داشت. اما نقش کرونا در زندگی یک سال اخیر به‌طور کل منفی نبود، شیوع این بیماری و ملزومات برآمده از آن ورودمان به عصر انسان دیجیتال را سرعت بخشید. منتها در برخی کشورها نظیر کشور ما روندی کندتر از کشورهای پیشرفته جهان طی می‌شود. حتی ما را بیش از پیش به تطابق با تکنولوژی‌های نوین واداشت. طی یک سال گذشته ما فقط شاهد جهش ویروس کرونا نبودیم، بلکه حتی با تسریع چگونگی بهره‌گیری از جهان تکنولوژی هم روبه‌رو شدیم. متأسفانه برخی مسئولان همچنان این تحولات شتابان را درک نمی‌کنند و هنوز هم در این زمینه نگاهی کنترل‌کننده دارند.

باید پذیرفت خواه‌ناخواه بخش‌های مختلفی از زندگی شخصی و کاری به فضای مجازی وارد شد؛ از تدریس در مدارس و دانشگاه‌ها گرفته تا برگزاری جلسات کاری و حتی نشست‌های ادبی و هنری. حتی دید وبازدید خانوادگی هم به این فضا منتقل شده است. شرایط به‌گونه‌ای شده که فضای واقعی زندگی امروزمان همین فضای مجازی است. این تغییر تأثیر پررنگی بر ادبیات و فراتر از آن بخش‌های مختلف فرهنگ و حتی حوزه‌هایی نظیر تاریخ خواهد گذاشت. در این زمینه تحقیقات خوبی در کشورهای غربی آغاز شده، کارهایی هم در کشور خودمان انجام داده‌اند. ما در پایان یک دوره و آغاز عصر جدیدی قرار گرفته‌ایم، عصر انسان دیجیتالی به معنای واقعی‌اش شروع شده و دیگر امکان فرار از آن نیست. سال گذشته وقتی امکان برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران مهیا نشد آن را به شکل مجازی برگزار کردند و برخی افرادی که میانه‌ای با خریدهای اینترنتی نداشتند کتاب‌های مورد نظر خود را از این طریق تهیه کردند، البته کم‌وکاستی‌هایی هم داشت. هرچند که این تغییر مشکلاتی هم به دنبال داشته، خانواده‌ها و افرادی که از نظر مالی توان دسترسی به این تجهیزات را ندارند با سختی‌های متعددی روبه‌رو شده‌اند. از سوی دیگر با وجود بحران اقتصادی حاکم بر صنعت نشرمان، کتابفروشانی که از فضای مجازی بهره گرفته‌اند فروش بهتری در مقایسه با دیگر همکاران خود داشته‌اند و بخشی از مخاطبان خود را حفظ کرده‌اند. جالب است که از طریق فضای مجازی طیف تازه‌ای از مخاطبان که بخشی از آنها جوانان هستند به جامعه کتابخوان پیوسته‌اند. این تغییر عادت‌ها بعید است بعد از کنترل کرونا برچیده شوند.

کرونا ما را به‌سوی جهان مجازی هل داد؛ در همین حوزه کتاب، بسیاری از افرادی که هرگز از این امکانات استفاده نمی‌کردند حالا در جلسات به اصطلاح لایو و برگزاری زنده نشست‌ها شرکت می‌کنند. هرچند که هنوز فرهنگ استفاده از این سبک نهادینه نشده و زمان بیشتری برای همگامی با آن باید صرف شود.

با این حال به گمان من، فضای مجازی هرگز جای دنیای واقعی و تعاملات رودررو را نمی‌گیرد، اما در کنار آن اتفاق مهمی را در تسهیل زندگی انسان امروز رقم می‌زند.

عکس نوشت

این عکس یکی از تصاویر به یادماندنی سوم خرداد، روز آزادسازی خرمشهر است.
عکسی که احمد علیزاده نوحی از سجده شکر رزمندگان پس از ورود به خرمشهر گرفت. پس از آزادسازی خرمشهر.

هشتگ

#قطع_برق

خاموشی‌ها دیروز هم بحث مهم کاربران ایرانی بود. بخصوص پس از انتشار اولین جدول خاموشی در تهران که البته کاربران زیادی نوشتند برق مطابق آن قطع نشده است. اثرات قطع برق و مشکلاتی را که برای مردم ایجاد شده در میان نوشته‌ها می‌دیدیم و خیلی‌ها هم به تأثیر استخراج رمزارزها در کمبود برق اشاره می‌کردند: «بیماری خودایمنی بابام جوریه که گرما میتونه حمله ایجاد کنه، برق که میره میایم تو ماشین تو پارکینگ کولر ماشینو روشن می‌کنیم و ساعت‌ها صبر می‌کنیم که برق بیاد و خونه جای زنده موندن شه.»، «سخنگوی شرکت برق هم گفته دانش‌آموزان برن جایی که طبق برنامه‌ریزی قطعی برق، موقع امتحان برق داشته باشن. آدم نمی‌دونه بخنده یا دست بندازه دهن خودش رو جر بده.»، «آقای وزیر نیرو؛ آقای صنعت برق؛ اگر شوکه نمی‌شین و تعجب نمی‌کنین توی جدول‌تون ساعت ۱۳ برای ما خاموشی تدارک دیدید اما الان که ساعت ۱۰:۴۵ دقیقه است برق رفته. برای روشنایی کارآمدی ندارین، برای خاموشی هم برنامه ندارین؟»، «قطع برق فدراسیون شطرنج باعث شد شطرنج بازان ایرانی در مسابقات قهرمانی آسیا که به روش هیبریدی و به‌صورت آنلاین برگزار میشه، شکست بخورند! به‌همین سادگی»، «خونه پدرم ویلایی و یک طبقه است و با قطع برق بیشتر از یه آپارتمان گرم میشه! ضمن اینکه دستگاه اکسیژن ساز، بای پپ و تشک ضد زخم بسترشم برقیه طبعا»، «من نمی‌دونم چرا بابت اینکه روزی حدود ۲۰ ساعت برق داریم تعجب نمی‌کنین؟»، «جدول زمان‌بندی قطعی برق که می‌گفتند اصلاً از این خبرها نیست اعلام کردن.»، «چند تا شمع خریدم، دبه آب خریدم، به مادرم بگم از لرستان برام مشک بفرسته، بلوط بفرسته. بلدم با بلوط نون درست کنم. فانوس هم لازم داریم، شب که بریم تو خیابون با فانوس به هم علامت می‌دیم، سلام همدیگه رو با فانوس جواب می‌دیم. زندگی سخته»، «این برنامه برق من رو نصب کردم و کلاً از صفحه لوگو جلوتر نمیره»، «علت قطعی‌های گسترده دیروز برق، کسری عجیب حدود ۹۰۰۰ مگاوات برق در شبکه اعلام شده! سخنگوی صنعت برق هم پیش‌بینی کرده این کمبود باید با اجرای طرح‌های مدیریت مصرف برطرف بشه»، «ماها که کارمون وابسته هست به برق یه خاکی تو سرمون می‌ریزیم حالا ولی اون مظلوم‌هایی که جونشون به برق هست، صنایع پزشکی، آی سی یو، سی سی یو، بیمارایی که به دستگاه وصلن، اونا چی؟ هروقت برق قطع می‌شه اول یاد اونا می‌افتم»، «جدول قطع برق منتشر کردن و خونه من رو گفتن پنج تا هفت عصر در حالی که هشت تا ده صبح قطع بود. بازی ذهنی می‌کنن باهامون»، «اپلیکیشن برق من نصب کردم تا الان ۶بار پیامک ورود اومده ولی به صفحه ورود نمی‌رسم که بتونم کد رو وارد کنم! ارور پشت ارور»، «خب دیدید مدیریت یک جدول خاموشی هم از شما برنمیاد! محله ما را دویست بار زدید ۷_۹برق میره بعد ۱۱:۳۴ظهر رفته! والا اون دهه شصت یک جدول خاموشی تو روزنامه می‌زدید باباها هم می‌دونستن کی فتیله چراغ را عوض کنند، توری بزنند، چراغ موشی آماده باشه! هرچی جلوتر رفتید مدیریت‌تان زیباتر شد!»، «شیطونا یک کم شلخته بیت‌کوین استخراج کنید بذارید به ما هم یک کم برق برسه».

شهروند مجازی
یگانه خدامی

روز تلخ شطرنج

ماجرا

درجریان قطعی برق فدراسیون شطرنج هم بی‌برق شد و باعث شد شطرنج بازان ایرانی در مسابقات قهرمانی آسیا که به روش هیبریدی و به‌صورت آنلاین برگزار می‌شود شکست بخورند. در کنار خاموشی‌ها این مسأله به طور ویژه مورد توجه کاربران قرار گرفت و با ناراحتی درباره غم این بازیکنان نوشتند. البته کاربرانی‌ها هم از حرف‌های شادی پرید برگزارکننده این رقابت‌ها ناراحت بودند که از وزارت نیرو خواسته بود برق فدراسیون شطرنج تا پایان مسابقه‌ها قطع نشود: «اگه سردبیر یه روزنامه بودم فردا تیتر اول می‌زدم: در مسابقات شطرنج آسیایی، اداره برق نمایندگان ایران را کیش و مات کرد.»، «با این باخت احتمالاً ایران شانس شرکت در مسابقات جهانی شطرنج را هم از دست بدهد.»، «از قطع شدن برق که بگذریم الان توی هر شرکتی چندتا UPS هست که سیستم‌ها قطع نشه.»، «یه برق اضطراری موتور برقی چیزی نداشتید؟»، «واقعاً خیلی ناراحت شدم. فرض کن این همه تلاش کرده باشی توی زندگی برای شطرنج بعدش توسط چیزی که روش هیچ قدرتی نداری خراب بشه آینده‌ات»، «فکر کن کلی زحمت بکشی کلی برای روز مسابقه منتظر باشی استرسشو بکشی بعد به‌خاطر قطعی برق ببازی»، «حالا درسته که قطع برق کار مزخرفیه و فلان و بهمان اما متأسفم برای اون فدراسیونی که نمی‌تونه برق اضطراری و یو پی اس برای مواقع بحرانی و پیش‌بینی نشده فراهم کنه! ضعف مدیریتی خودشون رو انداخته گردن یه مدیریت ضعیف دیگه.»، «حتی اگر مشکل برق هم نبود اون مسئول آی‌تی فدراسیون باید همه احتمالات قطع برق و اینترنت و خرابی کامپیوترها رو لحاظ می‌کرد»، «آدم نمیدونه بخنده یا گریه کنه. ما که آماتور بازی می‌کنیم با یه لگ کلی اعصابمون خرد میشه. بدبخت اینا!»، بابا ما وسط بازی آنلاین نتمون قطع میشه اعصاب مون داغون می‌شه

فرض کن اینا تو مسابقه جهانی برقشون قطع شده چه حالی دارن»، «این جماعت ورزشکار و سلبریتی همیشه فقط به منافع خودشون فکر می‌کنن. نمی‌گه میلیون‌ها انسان از کار و زندگیشون افتادن، چرا برق مملکت رو قطع می‌کنید؟ می‌گه ده روز فقط برق ما رو قطع نکنید»، «برق بیمارستان قطع کنید آبروی شطرنج نره زشته».